

# بررسی میزان طبیعی بودن نظام تصریفی زبان فارسی بر مبنای نظریه صرف طبیعی

فریده حق بین

## مقدمه

در زبانشناسی مقایسه‌ای، زبانها به لحاظ صرفی و ساختار واژگانی‌شان بطور کلی به دو گروه یک تکواژی و چند تکواژی تقسیم می‌شوند. زبان یک تکواژی زبانی است که کلمات آن تنها از یک تکواژ ساخته شده است و زبان چند تکواژی زبانی است که کلمات آن مرکب از چند تکواژ است. لذا زبان یک تکواژی را زبان منفرد<sup>۱</sup> می‌نامند مثل زبان چینی و ویتنامی و زبانهای چند تکواژی خود به چند گروه تقسیم می‌شوند. (الف) زبان پیوندی<sup>۲</sup> که در آن مرز بین تکواژها مشخص است و تطابق یک به یک بین هر تکواژ و محتوای معنایی یا دستوری آن وجود دارد مثل زبان ترکی (ب) زبان ترکیبی<sup>۳</sup>، که مرز بین

---

1- Isolating

2- agglutinative

3- synthetic/fusional

تکواژهای آن مشخص نیست و تطابق یک به یک بین هر تکواژ و محتوای آن وجود ندارد. مانند زبان لاتین (ج) زبانهای بساوندی<sup>۱</sup> که مرز بین واژه و جمله در این زبانها مشخص نیست، بسیاری از مفاهیم که معمولاً در زبانهای دیگر بوسیله جمله بیان می‌شوند، در این زبانها به وسیله الحاق تکواژها به یکدیگر به صورت یک واژه بیان می‌شود. در واقع این زبانها شامل مجموعه وسیعی از وندها هستند که نقش عناصر آزاد نحوی را در درون واژه بازی می‌کنند. زبانهای بساوندی خود به دو گروه تقسیم می‌گردند: تک پایه‌ای<sup>۲</sup> و چند پایه‌ای<sup>۳</sup>. در زبانهای تک پایه‌ای هر واژه فقط یک تکواژ آزاد دارد، مانند زبان یوپیک<sup>۴</sup> در سبیری ولی در زبانهای چند پایه‌ای در هر واژه بیش از یک تکواژ آزاد وجود دارد، مانند زبان چوکچی<sup>۵</sup> در شمال شرقی سبیری<sup>۶</sup>. با توجه به تقسیم‌بندی فوق، شاید تعداد محدودی از زبانها را دقیقاً بتوان در چهار چوب این طبقه بندیها جای داد ولی بخش وسیعی از زبانها ویژگیهای یک دسته و برخی ویژگیهای دسته دیگر را نشان می‌دهند. به عنوان مثال زبان فارسی هم ویژگیهای زبانهای پیوندی و هم زبانهای ترکیبی را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد زبانهای طبیعی را بر روی پیوستاری باید قرار داد که بین این ویژگیها بعضاً منطبق با دسته‌بندی فوق قرار می‌گیرند.

نظریه صرف طبیعی با توجه به ویژگیهای زبانهای طبیعی جهان نیز درصدد یافتن ملاکهایی است تا ضمن یافتن ویژگیهای میان زبانها ملاکهایی را برای روشن نمودن حد طبیعی به دست دهد. روشن است در این رویکرد طبقه‌بندی فوق چندان معتبر نخواهد بود زیرا ملاکها بایستی به گونه‌ای طراحی شوند که هم زبانهای منفرد و پیوندی و هم زبانهای ترکیبی و بساوندی را یک جا مورد ارزیابی قرار دهد.

در این جستار سعی بر آن است تا ضمن طرح پنج ملاکی که توسط نظریه پردازان صرف طبیعی مطرح شده است، نظام تصریفی زبان فارسی بوسیله این ملاکها مورد

1- polysynthetic

2- monobasic

3- poly basic

4- yupic

5- chuckchi

بررسی قرار گیرد در واقع نشاننداری<sup>۱</sup> و نشانه‌داری<sup>۲</sup> که ملاک طبیعی بودن است در عناصر تصریفی مورد ملاحظه و سنجش قرار خواهد گرفت.

### ۱- ملاک‌های طبیعی بودن در نظریه صرف طبیعی

صرفیون طبیعی از ابتدا به رابطه بین صورت و معنا علاقمند بودند. در واقع ایشان عناصر صرفی را صورتهایی تلقی می‌کنند که دارای محتوای قاموسی یا دستوری می‌باشند. این رویکرد متضمن مفاهیمی است که در نشانه‌شناسی مطرح است، مفاهیمی از قبیل نشانه‌های تصویری<sup>۳</sup> و نمایه‌گذاری<sup>۴</sup>. از طرف دیگر، هنگامی که موضوع تحت بررسی، میزان طبیعی بودن عناصر زبانی است بدیهی است که طبیعی بودن، بی‌نشانی را بدنبال خواهد داشت اما بی‌نشانی الزاماً با بی‌نشانه بودن همراه نیست، بلکه این امر در رفتار زبانها بایستی تعبیر گردد در واقع مطالعات رده‌شناختی و تعیین ملاکهایی که با استفاده از جهانیها و فرآیند فراگیری زبان اول انجام می‌گیرد می‌تواند این مقولات را روشن کند.

بطور کلی مایرسالر<sup>۵</sup> و درسالر<sup>۶</sup> پنج ملاک را بعنوان محک طبیعی بودن به شرح زیر معرفی کرده‌اند.

۱-۱- نشانه‌گذاری تصویری - این ملاک ناظر بر رابطه بین صورت و محتواست. البته تجلی این رابطه در زبانهای طبیعی به شکلهای مختلف می‌باشد و مقولات مختلفی را می‌سازند.

الف - مقولات کاملاً تصویری - زمانی است که رابطه‌ای یک به یک بین صورت و معنا

1- markedness

3- Iconicity

5- Mayerthaler

2- markedness

4- Indexicality

6- Dressler

وجود دارد، در واقع پدیده بی نشان فاقد نشانه تصویری است و پدیده نشاندار دارای نشانه تصویری البته از نوع پاره صوت<sup>۱</sup> است. مانند، مقوله مفرد در زبان انگلیسی که فاقد نشانه است و مقوله جمع که دارای نشانه صوری - صوتی است.

ب - مقولات نیمه تصویری - در این جا نماد افزایشی از نوع پاره صوت نیست بلکه از نوع افزودن مشخصه‌های زبر زنجیری همچون کشش واکه‌ای است بعنوان مثال،  
در زبان لاتین domus = خانه      domus = خانه‌ها

ج - مقولات کمی تصویری - این مورد با تغییر نماد همراه است و نه افزایش نماد. بعنوان مثال در انگلیسی،  
foot = پا      feet = پاها

د - مقولات غیر تصویری - در برخی زبانها هیچ نشانه ظاهری برای نشان دادن تمایز میان مقولات دستوری وجود ندارد مثلاً در زبان انگلیسی، sheep = گوسفند  
sheep = گوسفند

ه - مقولات نقیض تصویری - زبانهایی وجود دارند که به لحاظ نشانه‌داری، عکس مقولات کاملاً تصویری عمل می‌کنند و در حقیقت، مقوله نشاندار بی نشانه است و مقوله بی نشان نشانه دار، مثل زبان ولش: coeden = درخت      coed = درخت‌ها  
شایان ذکر است که موارد الف تاه یک پیوستار را تشکیل می‌دهند و حد طبیعی بودن در مورد الف بیشترین میزان و نقیض تصویری کمترین میزان را نشان می‌دهند.

۱-۲- اتحاد شکلی - اگر رابطه بین صورت و محتوا رابطه‌ای یک به یک به صورت یک نقش در برابر یک تصویر باشد اتحاد شکلی ایجاد می‌شود اما اگر یک نقش بوسیله

تصاویر مختلفی نشان داده شود مقوله مورد نظر متحدالشکل نخواهد بود و لاجرم صورتی غیر طبیعی بدست خواهد داد.

۱-۳- شفافیت - در این جا رابطه صورت و محتوا به گونه ای است که اگر یک تصویر تنها نشان دهنده یک محتوای معنایی باشد شفاف خواهد بود. بعنوان مثال پسوند تصریفی er- در زبان انگلیسی که نشان دهنده صفت تفصیلی در الحاق به پایه صفت است شفاق نیست زیرا er- به عنوان یک پسوند اشتقاقی اسم فاعل یا ابزار نیز در زبان انگلیسی وجود دارد.

۱-۴- طول کلمه - بررسی های انجام شده روی بیش از ۴۲ زبان نشان داده است که متوسط طول کلمات در زبانهای طبیعی دنیا بین دو تا سه هجا است که تقریباً معادل یک وزن عروضی است. بنابراین اگر اکثریت کلمات موجود در یک زبان طولی معادل دو تا سه هجا داشتند بدین لحاظ آن زبان طبیعی خواهد بود.

۱-۵- نمایه گذاری - نشان دهنده میزان اطلاعاتی است که هر تکواژ موجود در زبان با خود حمل می کند. در واقع هر چه عناصر زبان تلفیقی تر باشند میزان بار اطلاعاتی بیشتر خواهد بود و زبان طبیعی تر است.

## ۲- ساختواژه تصریفی

نظام صرفی زبانها مشتمل بر دو بخش اساسی، ساختواژه تصریفی و اشتقاقی است عموماً تفاوتهایی بین این دو بخش وجود دارد که مربوط به عملکرد وندهای تصریفی و اشتقاقی است.

الف - وندهای تصریفی مقوله نحوی را تغییر نمی دهند  
ب - وندهای تصریفی کاربردشان قیاسی است، یعنی با همه اعضای یک مقوله از کلمات

می‌توانند بکار روند و کمتر استثناء می‌پذیرند.

با توجه به دو ملاک فوق، مواردی که در این مقاله مورد ملاحظه قرار می‌گیرند عبارتند از:

- ۱- وندهای مربوط به مقوله شمار به همراه پایه اسم.
- ۲- وندهای مربوط به صورتهای تفصیلی و عالی همراه با پایه صفت.
- ۳- وندهایی که همراه با پایه فعل بکار می‌روند و نشانه زمان، شخص، شمار، جنبه، وجه و سببی هستند.

## ۲-۱- اسم و مقوله شمار

الف- نشانه گذاری تصویری- در زبان فارسی امروز، اسم مفرد به شش صورت به اسم جمع بدل می‌گردد. از این شش صورت، پنج مورد به کمک وند مشخص یا به عبارت دیگر، بوسیله نشانه تصویری بصورت جمع در می‌آیند.

این وندها عبارتند از:

نشانه «ها»، مانند، درخت / درختها، کوه / کوهها، آدم / آدمها

نشانه «ان»، مانند، درخت / درختان، کارگر / کارگران، دختر / دختران

نشانه «ات»، مانند، سبزی / سبزیجات، باغ / باغات، غزل / غزلیات

نشانه «ین»، مانند، معلم / معلمین، مستخدم / مستخدمین، ساکن / ساکنین

نشانه «ون»، مانند، روحانی / روحانیون، انقلابی / انقلابیون، اعتصابی / اعتصابیون

بجز پنج مورد فوق شکل دیگری از مقوله جمع در زبان فارسی امروز وجود دارد که گر

چه از زبان عربی قرض گرفته شده است لیکن فعال است و در این زبان بکار می‌رود. و

آن جمع مکسر است مانند: استاد / اساتید، شغل / مشاغل، منزل / منازل، ساحل /

سواحل، رئیس / رؤسا و غیرو که می‌توان آن را جزو مقولات نشانه گذاری کمی

تصویری قلمداد کرد.

بنابراین زبان فارسی با توجه به نمونه‌های فوق زبانی است که در مورد مقوله فوق

کاملاً تصویری محسوب می‌شود.

ب - اتحاد شکلی - با توجه به تنوعی که در اشکال نشانه تصویری مقوله جمع وجود دارد، در این مورد اتحاد شکلی وجود ندارد.

ج - شفافیت - پربسامدترین نشانه جمع در زبان فارسی «ها» است که شفاف است زیرا منحصر بفرد است اما در مورد سایر نشانه‌ها مثل «ان» و «ین» چنین وضعیتی وجود ندارد، چراکه «ان» در کلماتی مثل بهاران و گیلان نشانه‌های زمان و مکان هستند و نشانه «ین» در کلماتی همچون زرین، سیمین، پشمین نسبت را با پایه صفت نشان می‌دهند پس شفاف نخواهند بود. اما از یک سو تعداد مثالهای نقیض اندک است و از سوی دیگر بسامد «ها» بالاست و در عین حال با همه اسمها ترکیب می‌شود. بعنوان مثال تمامی اسمهایی را که در (۲-۱) نام برده شده است همچون سبزیها، غزلها، معلمها، مستخدمها، روحانی‌ها، انقلابیها و... در واقع تمام اسمهای زبان فارسی را می‌توان با «ها» جمع بست ولی همه اسمهای موجود را نمی‌توان به سایر نشانه‌های جمع ملحق ساخت مانند، \* کوهان، \* پایان، \* کارگرات، \* دخترات، \* درختین، \* کارگرون و...

پیش بینی درس‌ر در این خصوص این است که عواملی همچون قرض‌گیری و فرآیندهای واجی موجب اخلال در شکل طبیعی زبانها می‌شوند، در این خصوص نظری حد اقل در مورد نشانه‌های «ات»، «ین»، و «ون» و جمع مکسر که از زبان عربی وارد فارسی شده است صحیح می‌باشد. یعنی قرض‌گیری، صورتهایی را وارد زبان فارسی کرده است که تا حد زیادی اتحاد شکلی را مخدوش کرده است و هم چنین همین صورتهای قرض گرفته شده با عناصر موجود در فارسی هم آوا بوده و موجب کم شدن شفافیت شده است لیکن از آنجا که بسامد نشانه‌های نسبت و زمان و مکان پایین است و از طرف دیگر کاربردهایی سبکی دارند این عدم شفافیت چندان محسوس نیست. صرف نظر از موارد مذکور، «ان» نشانه دیگر جمع با بسامد نسبتاً بالا، تا حد زیادی از اتحاد شکلی در مورد عنصر جمع در اسم زبان فارسی کاسته است.

د - طول کلمه - از میان ۱۰۰ اسمی که به صورت تصادفی از فرهنگ عمید انتخاب شده

است نتایج زیر بدست آمد - شایان ذکر است که این کلمات بسیط و اشتقاقی ونددار هستند، در واقع از لحاظ نمودن ترکیبات اسمی که خود از دو کلمه تشکیل شده‌اند صرف نظر شده است.

اسمهای تک هجایی	دو هجایی	سه هجایی	چهار هجایی و بیشتر
٪۱۱	٪۴۶	٪۳۱	٪۱۲

از آنجا که طول طبیعی کلمه بین دو تا سه هجا در نظر گرفته شده است، اسم در زبان فارسی با حدود ٪۷۷ دو و سه هجایی حد طبیعی را نشان می‌دهد. ضمناً اگر نشانه جمع بدان افزوده شود ٪۵۷ دو و سه هجایی خواهند بود که باز در محدوده طبیعی قرار می‌گیرند. ه - نمایه گذاری - میزان بار اطلاعاتی ترکیب اسم و نشانه جمع یا عدم وجود نشانه در زبان فارسی همچون زبانهای پیوندی، یک نشانه و یک مفهوم است در واقع هیچ تلفیقی از معانی و نقشهای دستوری وجود ندارد بنابراین رفتار زبان فارسی در این خصوص بر خلاف زبانهای تصریفی است و چندان طبیعی به نظر نمی‌رسد.

## ۲-۲- صفت و مقوله تفضیلی و عالی

الف - نشانه گذاری تصویری - نشانه تصریفی با پایه صفت سازنده مفاهیم تفضیلی و عالی در زبان فارسی است که بوسیله «تر» و «ترین» نشان داده می‌شود. مثل:

خوب + تر / ترین ← خوبتر / خوبترین

جالب + تر / ترین ← جالبتر / جالبترین

هوشمند + تر / ترین ← هوشمندتر / هوشمندترین

فرسوده + تر / ترین ← فرسودهتر / فرسودهترین

بنابراین با توجه به ملاک نخست زبان فارسی کاملاً طبیعی است.

ب - اتحاد شکلی - از آنجا که هیچ نشانه دیگری در زبان فارسی این نقش را بعهده ندارد بنابراین متحدالشکل و کاملاً طبیعی است.



ج - شفافیت - وندهای «تر» و «ترین» هیچ تشابه آوایی با تکواژ دیگری در زبان فارسی ندارند تنها یک مورد شباهت آوایی صفت «تر» (خیس، نمناک) است. اما از آنجاکه «تر» با این معنی ریشه محسوب می شود و نه وند، نمی توان آن را عامل مخدوش کننده شفافیت علامت تفضیلی در فارسی دانست زیرا جایگاه آن در ساختمان کلمه مشخص است. بنابراین وند تفضیلی و عالی شفاف می باشند.

د - طول کلمه - از مجموع ۱۰۰ مورد صفت استخراج شده به روش تصادفی نتایج زیر در خصوص طول کلمه بدست آمد.

تک هجایی	دو هجایی	سه هجایی
٪۱۳	٪۵۷	٪۳۰

بنابراین مجموعاً ٪۸۷ صفتها در زبان فارسی طولشان بین دو و سه هجاست پس بدین لحاظ نیز کاملاً طبیعی هستند. و اگر نشانه تفضیلی «تر» بدان افزوده شود ٪۷۰ دو و سه هجایی خواهند بود که حد طبیعی را نشان می دهد.

ه - نمایه گذاری - نشانه تفضیلی و عالی در زبان فارسی هر کدام تنها دارای یک نقش دستوری هستند و به لحاظ بار اطلاعاتی تنها یک واحد محسوب می شوند. بنابراین چندان طبیعی به نظر نمی رسند. در واقع ویژگیهای زبانهای پیوندی را نشان می دهند.

## ۲-۳- عدد اصلی و نشانه های ترتیبی

برای ساختن اعداد ترتیبی، پایه عدد اصلی همراه با پسوند -م و -مین بکار می رود.  
الف - نشانه گذاری تصویری - همانطور که بیان شد برای نشان دادن مفهوم عدد ترتیبی نشانه تصویری وجود دارد بنابراین، این ساخت دارای نشانه تصویری است لذا طبیعی می باشد.

ب - متحدالشکل، نیز می باشد چرا که در همه موارد از همین نشانه استفاده می شود مانند یکم، یکمین - دوم، دومین - سوم، سومین ...

ج - شفافیت، این ملاک نیز در اعداد ترتیبی در حد طبیعی وجود دارد زیرا پسوندهای -و

- مین دلالت دیگری ندارند.

د - طول کلمه، به عقیده نگارنده مبحث طول کلمه در اینجا حشو است چرا که اعداد را نمی‌توان در زمره هیچیک از مقولات مورد بحث در تصریف یعنی اسم و فعل و صفت قرار داد و از طرف دیگر اعداد از بیست به بالا بصورت ترکیب عطفی ساخته می‌شوند اما اگر اعداد یک تا بیست را لحاظ کنیم طول کلمات بین یک تا دو هجاست، بنابراین اعداد دوهجایی تنها طبیعی هستند این نتیجه‌گیری در مورد اعداد ده‌گانی و صدگانی نیز صدق می‌کند مثل: سی، چهل، پنجاه، شصت... و صد، دویست، سیصد، چهارصد و...  
ه - نمایه گذاری - با لحاظ کردن این ملاک همچون موارد گذشته زبان فارسی رفتاری پیوندی از خود نشان می‌دهد و لذا میل به نشان دادن ویژگی غیر طبیعی دارد.

#### ۲-۴- فعل و وندهای تصریفی

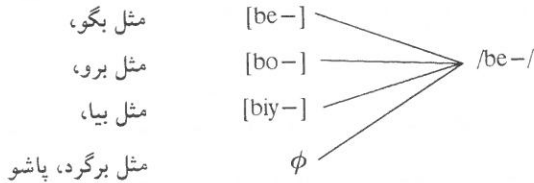
حال به کلماتی می‌پردازیم که ماده اصلی آنها ریشه فعلی است. البته در اینجا نحوه ارائه وندهای تصریفی بر اساس شکل نشانه است و بحث خواهد شد که برخی از نشانه‌ها بیش از یک محتوا دارند.

#### ۲-۴-۱- پیشوند /be -/

الف - نشانه گذاری تصویری - در زبان فارسی نشانه فوق دو نقش یا محتوای دستوری بعهدہ دارد در واقع اگر این ونده به بن مضارع فعل ملحق شود، بیانگر وجه التزامی و امری خواهد بود بنابراین، از آنجا که دو وجه التزامی و امری دارای نشانه تصویری /be- / هستند، حائز این ویژگی بوده و طبیعی بودن رانشان می‌دهند.

ب - اتحاد شکلی - اگر ما نوشتار را ملاک عمل خود بدانیم می‌توان ونده /be- / را در خصوص وجه امری و وجه التزامی هر کدام بطور مجزا متحدالشکل دانست لیکن وجود واژگونه‌هایی که این تکواژ دارد اتحاد شکلی آن را مخدوش می‌نماید.

این واژگونه‌ها در مورد فعل امر صیغه دوم شخص مفرد عبارتند از:



شایان ذکر است که درس‌ساز معتقد است، اگر واژگونه‌ها ناشی از اعمال فرآیندهای خودکار واجی باشند نباید آنها را محل طبیعی بودن زبان دانست.

**ج - شفافیت** - همین قدر که این نشانه دارای دو نقش دستوری است ملاک شفافیت را مخدوش می‌نماید، در واقع نشانه واحد دارای دو نقش وجه التزامی و امری است این تشابه شکلی موجب بروز بحثهای فراوانی در بین دستورنویسان و زیانشناسان شده است و تشابه وند امری و التزامی ایشان را در تشخیص صیغه‌های فعل امر و تعیین تعداد این صیغه‌ها دچار مشکل کرده است. بعنوان مثال، قریب، تعداد صیغه‌های فعل امر را شش عدد، همایونفرخ پنج، صادقی و ارژنگ و برجسته دو مشکوٰۃ‌الدینی و معینه یک صیغه می‌دانند<sup>۱</sup> در این مختصر مجالی برای پرداختن به این بحث نیست و به همین حد اکتفا می‌شود که آنان که تعداد صیغه‌های فعل امر را شش و پنج می‌دانند، در تفکیک و تمایز امر از التزامی دچار مشکل شده‌اند و خود این امر دلیل روشنی برای کمرنگ بودن شفافیت این نشانه است.

**د - طول کلمه** - در این خصوص، دو وجه التزامی و امری بطور جداگانه مورد ملاحظه قرار گرفته‌اند و برای بررسی دقیق‌تر ۱۰۰ فعل ساده و پیشوندی بطور تصادفی از فرهنگ عمید استخراج شده و طول کلمه برای صیغه دوم شخص مفرد لحاظ گردیده است. نتایج حاصله به شرح زیر است.

فعل امر، صیغه دوم شخص مفرد:

فعال دوهجایی	سه هجایی	چهار هجایی
٪۶۰	٪۳۸	٪۲

بنابراین ۹۸٪ افعال، دو و سه هجایی هستند که طبیعی بودن را تا حد بالایی نشان می‌دهند.

اما در مورد التزامی، صیغه دوم شخص مفرد التزامی، آمار همین اعداد را منتها با یک هجای اضافی نشان می‌دهد (چرا که بطور طبیعی صیغه دوم شخص مفرد التزامی یک هجا بیشتر از مشابه خود در ساختار امری دارد) یعنی فعل امر "برو" دارای دو هجاست bo/ro اما "بروی" سه هجایی است. be/ra/vi

سه هجایی	چهار هجایی	پنج هجایی
۶۰٪	۳۸٪	۲٪

بنابراین در مورد وجه التزامی ۶۰٪ افعال شکل طبیعی را به لحاظ طول کلمه نشان می‌دهند.

ه- نمایه گذاری -وند -be/ بطور کلی، نشان دهنده یک نقش یا وجه التزامی و یا امری است لیکن تحقق این نقش در فعل با همراهی شناسه‌های فعل مورد نظر میسر است لذا، اگر ما در اینجا بعنوان نمونه، صیغه دوم شخص مفرد را در وجه امری و التزامی در نظر بگیریم باید بپذیریم ملاک نمایه گذاری در تصریف فعل فارسی بیش از اسم و صفت، طبیعی بودن را نشان می‌دهد.

مثلاً، فعل برو نشان دهنده معانی و نقشهای دستوری زیر است.

شخص، دوم

وجه، امری

شمار، مفرد

و معنی ریشه فعل، که عمل رفتن را نشان می‌دهد.

و یا، فعل برود، مفاهیم زیر را نشان می‌دهد.

زمان، حال

وجه، التزامی

شخص، دوم

شمار، مفرد

و معنی ریشه فعل که عمل رفتن را نشان می‌دهد.

## ۲-۴-۲- «می» /mi-/ نشانه فعل حال و گذشته با نمود ساده

الف - نشانه گذاری تصویری - این پیشوند اگر به ابتدای بن مضارع فعل متصل گردد زمان حال را نشان می‌دهد و اگر به بن ماضی فعل ملحق گردد زمان گذشته را نشان می‌دهد بنابراین به لحاظ نشانه داری طبیعی است.

ب - اتحاد شکلی /mi-/ تنها پیشوندی است که نقش فوق را بعهدہ دارد.

البته در گونه‌های گفتاری افعال گوناگون و زمانها و ساختهای دیگر ممکن است این نقشها را بعهدہ داشته باشند لیکن از آنجا که متنوع و معطوف به بافت هستند، از ملحوظ نمودن آنها صرف نظر می‌کنیم بنابراین «می» را بعنوان تنها نشانه فعل ساده و گذشته با نمود ساده و وجه اخباری که دارای ممیزه اتحاد شکلی است تلقی می‌نمائیم.

ج - شفافیت - آنچه در خصوص پیشوند «ب» و وجه امری و التزامی گفته شد کمابیش در مورد پیشوند «می» نیز صدق می‌کند در واقع همین مقدار که این وند هم نشانه زمان حال و هم زمان گذشته است از میزان شفافیت آن می‌کاهد بنابراین، با ملحوظ نمودن این ملاک از مقدار طبیعی بودن این پیشوند کاسته می‌شود.

د - طول کلمه - همانطور که قبلاً اشاره شد ملاک عمل در این مقاله افعال ساده و پیشوندی هستند. از مجموع ۱۰۰ فعل ساده و پیشوندی حدود ۶۰٪ سه هجایی هستند منظور از فعل در اینجا صورت تصریف شده فعل همراه با پیشوند «می» و شناسه‌های آن‌هاست. البته لازم به تذکر است که این آمار در مورد هم فعل حال و هم گذشته صدق می‌کند. بنابراین ساخت مذکور چهره‌ای کاملاً طبیعی دارد.

ه - نمایه گذاری - با در نظر گرفتن این معیار فعل در زبان فارسی تصریفی‌ترین صورتها را داراست و در واقع حالات تلفیق شده را بیشتر نشان می‌دهد. در واقع می‌توان گفت فعل «می‌روم» که متشکل از یک کلمه است نقشهای زیر را داراست.

شخص، اول  
وجه، اخباری  
شمار، مفرد  
نمود، ساده<sup>۱</sup>

زمان حال همراه با ریشه فعل که معنا و عمل رفتن را نشان می‌دهد و در مورد فعل «می‌رفتم» هم ویژگیهای فوق وجود دارد منتها زمان در «می‌رفتم» گذشته است. بنابراین با لحاظ کردن ملاک نمایه‌گذاری پیشوند «می» همراه با فعل گذشته و حال کاملاً طبیعی است.

## ۲-۴-۳- نشانه‌های زمان گذشته در فعل

این نشانه‌ها عبارتند از: /-d/ در فعل خورد

/-t/ در فعل رفت

/-ad/ در فعل افتاد

/-id/ در فعل خرید

لیکن این نشانه‌ها دارای واژگونه‌هایی نیز هستند مثل پخت، پرداخت، شتافت و غیره. الف - نشانه‌گذاری تصویری - هنگامی که از نشانه‌های فوق به منزله علائمی دال بر زمان گذشته و حال صحبت می‌شود این خود دلیل بر این است که زبان فارسی در این خصوص رفتاری طبیعی دارد.

ب - اتحاد شکلی - نشانه‌گذاری زمان گذشته در افعال فارسی همانطور که گفته شد دارای تکواژگونه‌های متعددی است که بسیاری از زیانشناسان از جمله صادقی و ارژنگ یار محمدی تلاش زیادی برای یافتن توصیفات و توجیحات آوایی برای آنها کرده‌اند لیکن بیست و هشت فعل فارسی وجود دارد که به تعبیر صادقی و ارژنگ تحت قاعده خاصی

۱. کلباسی معتقد است که «می» دلالت بر زمان حال یا گذشته استمراری در واقع در ساخت دارد / داشت + می + بن فعل + شناسه متجلی است و بدون فعل کمکی داشتن چنین مفهومی حاصل نخواهد شد.

در نیامده‌اند و در عین حال دلالت بر زمان ماضی دارند<sup>۱</sup> اگر نظر در سلر را در اینجا نیز در مد نظر قرار دهیم و برای کلیه صورتهای فعلی توجیهی واجشناختی وجود داشته باشد می‌توان نشانه‌های مذکور را متحد الشکل دانست. به عقیده نگارنده اگر هر ریشه فعلی را در واژگان دارای ممیزه [± past] در نظر بگیریم که قواعد دوری بر آن عمل می‌کند تا حد زیادی از بی قاعده‌گی‌ها کاسته خواهد شد و به اتحادی نسبی دست خواهیم یافت<sup>۲</sup>

ج - شفافیت - ترکیب نشانه‌های فوق همراه با بن فعلی ماضی و مضارع تنها در ساخت فعلی و با مفهوم گذشته مشاهده می‌شود بنابراین می‌توان این نشانه‌ها را شفاف دانست چراکه این نشانه‌ها در موارد دیگری مشاهده نشده‌اند بنابراین طبیعی می‌باشند.

د - طول کلمه - اگر شناسه‌های افعال ماضی را در نظر بگیریم و تنها صیغه سوم شخص مفرد را با شناسه  $\phi$  لحاظ کنیم طول فعل ماضی به لحاظ تعداد هجاها عبارتست از:

سه هجایی	دو هجایی	تک هجایی
٪۲۴	٪۶۰	٪۱۶

بنابراین مجموعاً ٪۸۴ افعال دو و سه هجایی هستند که نشان دهنده طبیعی بودن طول فعل است.

ه - نمایه گذاری - همچون سایر ساختارهای فعلی در زبان فارسی به لحاظ تلفیق چند نقش و مقوله در دو تکواژ فعل ماضی کاملاً طبیعی است.

این افعال از دو تکواژ تشکیل شده‌اند و اگر فعل پیشوندی باشد حداکثر سه تکواژ دارد ولی دارای چند نقش دستوری است بعنوان مثال:

رفت: زمان، گذشته

نمود، ساده

وجه، اخباری

شخص، سوم

شمار، مفرد

بنابراین کاملاً طبیعی است.

## ۲-۴-۴- شناسه‌های فعلی در زمان گذشته و حال

این شناسه‌ها عبارتند از:

پیشوند /-am/ نشانه اول شخص مفرد

پیشوند /-i/ نشانه دوم شخص مفرد

پیشوند /-ad/ نشانه سوم شخص مفرد

پیشوند /-im/ نشانه اول شخص جمع

پیشوند /-id/ نشانه دوم شخص جمع

پیشوند /-and/ نشانه سوم شخص جمع

مانند: رفتم، رفتی، رفت، رفتیم، رفتید، رفتند

می‌روم، می‌روی، می‌رود، می‌رویم، می‌روید، می‌روند

**الف - نشانه‌گذاری تصویری -** از آنجا این تکواژها بعنوان نشانه‌های تصویری با محتوای خاص خود در ساختار افعال گذشته و حال زبان فارسی بکار می‌روند بدین سبب این ساختارها طبیعی هستند.

**ب - اتحاد شکلی -** به نظر نمی‌رسد نشانه‌های دیگری این نقش را بعهدده داشته باشند بدین سبب متحدالشکل هستند.

**ج - شفافیت -** به استثنای صیغه سوم شخص مفرد یعنی نشانه  $\phi/ad$  - بقیه شناسه‌ها با فعل پیوستی (صورت‌های تصریفی فعل بودن در زمان حال) هم آوا می‌باشند بنابراین از میزان شفافیت آن کاسته می‌گردد این صورتها عبارتند از:

/-an/and/ , /-in/-id/ , /-im/ , /-e/ , /-ast/ , /-i/ , /-am/

واژه بستهای فوق همراه با صفت یا اسم بکار می‌روند، مانند:

خوبم، خوبی، خوبست، خوبیم، خوبید، خوبند شایان ذکر است که صورت‌های فوق، محاوره‌ای نیستند و همین صورت‌های غیر محاوره‌ای بجز در صیغه سوم شخص مفرد



تشابه صوری دارند و این شباهت به شفافیت شناسه‌های فعلی خدشه وارد کرده و از طبیعی بودن آن می‌کاهد.

د - طول کلمه - آمار طول کلمه در مورد افعال ماضی با لحاظ کردن شناسه‌ها به ترتیب زیر است.

دو هجایی	سه هجایی	چهار هجایی
٪۱۶	٪۶۰	٪۲۴

بنابراین حدود ٪۷۶ از افعال ماضی همراه با شناسه‌هایشان دو و سه هجایی هستند که حد طبیعی را نشان می‌دهند. اما در مورد افعال مضارع بیش از ٪۶۰ ساختار سه هجایی دارند بنابراین از طول طبیعی برخوردارند.

ه - نمایه گذاری - هر یک از شناسه‌های مورد نظر مبین دو نقش یا محتوای دستوری است، یکی شخص و دیگری شمار بنابراین دارای شکل و محتوایی طبیعی هستند.

#### ۲-۴-۵- نشانه فعل سببی /- an/

الف - نشانه گذاری تصویری - ساختهای سببی در زبان فارسی دارای اشکال گوناگونی است لیکن یکی از پربسامدترین آنها ساختی است که دارای نشانه تصویری فوق می‌باشد.

مانند، خورد ← خوراند/خورانید

خندید ← خندانند/خندانید

پرید ← پرانند

شکست ← شکانند

بنابراین به سبب این که سببی دارای نشانه تصویری است، از این حیث طبیعی است.  
ب - اتحاد شکلی - در زبان فارسی ساختهای سببی متنوع‌اند<sup>۱</sup> در عین حال دو ساخت اصلی سببی تکواژی و ریشه‌ای وجود دارند و سببی ریشه‌ای خود به چند صورت

تقسیم می‌شود. آنچه در اینجا حائز اهمیت است، اینست که اساس نظر صرف طبیعی و تعیین میزان طبیعی بودن صرفاً در ارتباط بین صورت و محتوا است بنابراین در اینجا تنها به سببی‌های تکواژی می‌پردازیم پس در چهار چوب سببی‌های تکواژی اتحاد شکلی وجود دارد.

ج - شفافیت - از آنجا این تکواژ در جای دیگر نقش دیگری ندارد پس شفاف است و از این حیث طبیعی است.

د - طول کلمه - از آنجا که افزودن تکواژ /-an/ موجب اضافه شدن یک هجا به ساخت عادی افعال می‌شود اکثریت افعالی که دارای سه هجا بصورت عادی هستند و در صورت غیر طبیعی می‌باشند با ساخت سببی صورتی غیر طبیعی و چهار هجایی می‌گیرند. به عنوان مثال افعال گذشته ساده که ۶۰٪ سه هجایی هستند در ساخت سببی ۶۰٪ چهار هجایی خواهند شد و بنابراین صورتی غیر طبیعی خواهند داشت .

ه - نمایه گذاری - تکواژ /-an/ تنها دارای یک نقش و همان سببی سازی است بنابراین همانند زبانهای پیوندی یک نشانه د برابر یک نقش است و هیچ تلفیقی از نقشها و معانی دستوری را نشان نمی‌دهد بنابراین از حد کمتری در پیوستار طبیعی بودن برخوردار است.

### نتیجه بحث

آنچه در این مختصر مورد بحث قرار گرفت مروری بر عناصر تصریفی زبان فارسی و بررسی میزان طبیعی بودن آن‌ها در ساخت تصریفی بر مبنای نظریه صرف طبیعی و نظریه نشاننداری و نشانه داری بود. دستاورد کلی این جستار این است که زبان فارسی به لحاظ عناصر تصریفی متصل به فعل همچون زبانهای ترکیبی میزان بیشتری از طبیعی بودن را با توجه به ملاکهای نمایه گذاری و طول، نشان می دهد و به لحاظ عناصر تصریفی متصل به اسم و صفت همچون زبانهای پیوندی حد بیشتری از طبیعی بودن را با توجه به ملاکهای شفافیت و اتحاد شکلی نشان می دهد.

## منابع و مآخذ

- ۱- حق بین، فریده، تجزیه و تحلیل ساختهای واژگانی فعل در زبان فارسی بر مبنای نظریه گسترده معیار، پایان نامه چاپ نشده برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، گروه زبانشناسی همگانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰
- ۲- \_\_\_\_\_ نگرشی به نظریه صرف طبیعی، مقاله چاپ نشده، گروه زبانشناسی همگانی و آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۸
- ۳- دبیر مقدم، محمد، «ساختهای سببی در زبان فارسی»، مجله زبانشناسی، سال پنجم شماره اول، ص ۱۳-۷۶.
- ۴- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، چاپ هفدهم، ۱۳۶۱.
- ۵- کلباسی، ایران، ساخت واژه اشتقاقی در فارسی امروز، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۱.

6- Carstairs – Mccarthy (1992), *Current Morphology*, Routledge.

7- Fertig David (1998), "suppletion, natural Morphology and digrammaticity"

*Linguistics*, 36-6, pp 1065-1091

8- Spencer. A. (1997), *Morphological theory*. Oxford, Blackwell.

9- Wurzel. W.U "The mechanism of inflection : lexical representations, rules and irregularities" *Contemporary Morphology*, edited by W.U.Dressler etal.

10- Wurzel W.U "Natural Morphology", *Encyclopedia of Language and Linguistics*"

Chief editor: Asher , Pergamon pp 2590-7